


Investigating the Components of Word Order in Khorramabad Lori Language

Fateme Akhoondi *  Master of General Linguistics, Al-Zahra University,
Tehran, Iran

Marziye Sanaati  Assistant Professor of General Linguistics,
Cultural Legacy and Tourism Institute, Tehran,
Iran

Abstract


Khorramabad Lori language is one of the languages of southwest of Iran and like other languages it has its own grammatical and typological features. Today, because of the effect of Persian on Lori, as an endangered language, it goes to disappear and this requires linguistic analysis of this topic with the goal of formulating the grammatical rules governing that. Thus, this article addresses the components of word order in this language. The method includes preparing a questionnaire, interviewing with native speakers, transcribing the gathered data and typological analysis of this language. In order to analyze data, the order and sequence of words were tested in according to components of Dryer's word order pattern by providing dialectic samples. The investigations reveal that for example adposition comes in the form of preposition; and relative clause, noun, attributive verb, verb and main verb come after nominal head, genitive, predicate, adverb of manner and auxiliary verb respectively. At result, tendency of this language is on strong verb initial. Also, this language acts like Persian in terms of the component of word order.


Keywords: Khorramabad Lori language, grammatical features, typological analysis, word order, strong middle verb.

* Corresponding Author: f200akhoondi@gmail.com

How to Cite: Akhoondi, F., Sanaati, M. (2021). Investigating the Components of Word Order in Khorramabad Lori Language Theory. *Language Science*, 8 (13), 151-174. Doi: 10.22054/ls.2019.36877.1142

بررسی مؤلفه‌های ترتیب واژه در زبان لری خرم‌آبادی

فاطمه آخوندی *  کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران

مرضیه صنعتی  استادیار زبان‌شناسی همگانی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران

چکیده

زبان لری خرم‌آبادی از زبانهای جنوب غربی ایران به شمار میرود و مانند دیگر زبان‌ها، دارای ویژگی‌های دستوری و رده‌شناختی خاص خود است. امروزه تأثیر و نفوذ فارسی روی گونه لری موجب شده که به تدریج این زبان، به‌عنوان زبانی در خطر، به فراموشی سپرده شود و همین امر ضرورت مطالعه زبان‌شناختی این گونه محلی را با هدف ثبت و تدوین قواعد دستوری حاکم بر آن ایجاد می‌کند. از این رو، در مقاله حاضر، به مؤلفه‌های ترتیب واژه در این زبان پرداخته شده است. روش کار در این پژوهش، به ترتیب، شامل تهیه پرسش‌نامه، مصاحبه با گویشوران اصیل لری خرم‌آبادی، آوانویسی داده‌ها و تحلیل رده‌شناختی این زبان است. به‌منظور تحلیل داده‌ها، ترتیب و توالی واژه‌ها بر اساس مؤلفه‌های ترتیب واژه در این زبان با ارائه نمونه‌های گویشی محک زده شد. بررسی‌ها نشان داد که در این زبان، برای نمونه، حرف اضافه به صورت پیش‌اضافه و بند موصولی، مضاف‌الیه، فعل اسنادی، فعل و فعل اصلی، به ترتیب، پس از هسته اسمی، مضاف، گزاره (مسند)، قید حالت و فعل کمکی می‌آیند. در نتیجه، زبان لری گرایش به سمت فعل میانی قوی دارد. همچنین، این زبان، به‌لحاظ مؤلفه ترتیب واژه، مانند فارسی عمل می‌کند.

کلیدواژه‌ها: زبان لری خرم‌آبادی، ویژگی‌های دستوری، تحلیل رده‌شناختی، ترتیب واژه‌ها، فعل میانی قوی.

۱. مقدمه

گرینبرگ^۱، در مقام برجسته‌ترین رده‌شناس قرن بیستم، در مقاله دوران‌ساز خود، باب نوینی در پژوهش‌های رده‌شناختی گشود و افق‌های تازه‌ای فرا روی رده‌شناسان نهاد. وی در این مقاله، موضوع رده‌شناسی ترتیب واژه را نیز به مبحثی بسیار حائز اهمیت در این نوع مطالعات تبدیل کرد و با بررسی ۳۰ زبان، ۴۵ همگانی تلویحی را به دست داد که ۲۸ مورد از آنها مرتبط با «ترتیب واژه» و ۱۷ همگانی دیگر مربوط به مقوله‌های تصریفی بوده است (دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۲۳-۲۵). علاوه بر زبان‌شناسان پیرو صورت‌گرایی که در صدد یافتن تبیین‌هایی برای رده‌های زبانی و به‌ویژه مبحث ترتیب واژه‌ها بوده‌اند، پایه‌گذاران نحله‌زایشی از جمله چامسکی^۲ نیز همگانی‌های گرینبرگ را مهم، آموزنده و مؤثر وصف کرده و اظهار داشته‌اند که ترتیب واژه‌ها احتمالاً تعمیم‌های توصیفی‌ای هستند که باید تبیین‌هایی برگرفته از دستور همگانی داشته باشند. چامسکی همچنین ابراز عقیده کرده است که براساس نظریه اصول و پارامترها، وجود رده‌ها و تنوع‌های زبانی به‌خاطر وجود پارامترها است. به دیگر سخن، از آنجا که پارامترها همگانی‌هایی با ارزش مثبت یا منفی هستند، انتخاب یک ارزش در یک زبان و گزینش ارزشی دیگر در زبانی دیگر منجر به شکل‌گیری دو رده‌زبان می‌شود (دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۳۸).

از آنجا که زبان و گویش هر قوم آینه تمام‌نمای فرهنگ و هویت آن قوم به شمار می‌رود و هر گویش و زبانی بخشی از میراث فرهنگی یک ملت است، حفظ، ثبت، ضبط و توصیف علمی آن امری ضروری است. در گستره جغرافیایی ایران، زبان، گویش و لهجه‌های محلی بسیاری وجود دارند، اما تأثیر و نفوذ زبان رسمی (فارسی) روی آنها، به دلایل مختلف، موجب شده است که به تدریج، گویشوران این زبان‌ها و گویش‌های محلی آنها را به فراموشی سپارند و روزه‌روز نسبت به زبان خود بیگانه‌تر شوند. برخی از این دلایل عبارت‌اند از اینکه فارسی، زبان معیار (رسمی)، زبان آموزش و همچنین زبان رسانه‌ای است؛ بنابراین، مطالعه زبان‌شناختی روی این گونه‌های محلی و تلاش در جهت ثبت و تدوین قواعد دستوری حاکم بر آنها می‌تواند پس از نابودی احتمالی‌شان، منبعی مکتوب و موثق برای شناخت آنها باشد (رزمجو و رزمجو، ۱۳۸۶: ۹۹). از این رو، با هدف ثبت گویش‌ها و زبان‌ها، بر آن شدیم

1. Greenberg, J. H.

2. Chomsky, N.

یک بررسی زبان‌شناختی درباره مؤلفه‌های ترتیب واژه در زبان لری خرم‌آبادی و همچنین مقایسه آن با زبان فارسی انجام دهیم.

۲. پیشینه پژوهش

مطالعات زبان‌شناختی متعددی در زمینه زبان لری و همچنین رده‌شناسی ترتیب واژه توسط پژوهشگران داخلی و خارجی صورت گرفته است که به اختصار، در زیربخش‌های پیشینه کاربردی و نظری، به تعدادی از آنها اشاره خواهد شد:

۱-۲. پیشینه کاربردی

زبان لری یکی از زبان‌های ایرانی جنوب غربی است که نزدیک‌ترین رابطه را با زبان فارسی دارد؛ هر دوی آنها دنباله زبان فارسی میانه‌اند و جدایی آن از فارسی نزدیک به هزار سال پیش است (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۷۰: ۵۳-۵۴). این زبان مشتق از زبان فارسی باستان است (راویلسون^۱، ۱۳۶۲: ۱۵۵). مینورسکی^۲ (۱۳۶۳)، زبان لری را به دو گویش لری بزرگ، شامل لره‌های ممسنی، کهگیلویه‌ای و بختیاری و گویش لری کوچک، شامل لره‌های خرم‌آبادی، لرستانی و الیگودرزی، تقسیم می‌کند. وی همچنین خاطر نشان می‌کند که این زبان، به دلیل شکل و وضعیت زندگی قوم لری که بیشتر ایل‌نشین و صحرائنشین بودند، بیشتر زبان محاوره‌ای بوده و کمتر آثار مکتوبی از آن برجای مانده است؛ همچنین، به دلیل آمیختگی آن با زبان فارسی، لرزبانان بیشتر از خط و زبان فارسی برای تدوین ادبیات خویش استفاده کرده‌اند (عبدی، ۱۳۸۸: ۵-۶). قلمروی گویش‌های لری و بختیاری، جنوب مناطق کردزبان است و گویشوران آن لرها و بختیاری‌ها قلمداد می‌شوند. همچنین این گویش‌ها خط ندارند و مطالعه آنها عمدتاً توسط ایران‌شناس مشهور روس، ژوکوفسکی^۳ و ایران‌شناس آلمانی، اسکار مان^۴، صورت گرفته است (ارانسکی^۵، ۱۳۷۸: ۱۳۱).

اشمیت^۶ (۱۳۸۳: ۵۶۷-۵۷۰)، در کتاب خود با عنوان *راهنمای زبان‌های ایرانی*، برخی ویژگی‌های واجی، صرفی، نحوی، اشتقاقی و واژگان در گویش‌های لری فیلی، بختیاری و

1. Ravilenson, H.
2. Minoresky, V.
3. Žukovskij, V. A.
4. Mann, O.
5. Oranskij, I.
6. Schmitt, R.

ممسنى را بررسى کرده است. در توصيف واجى اين گویش‌ها، به وجود مصوت‌هاى کاهش‌یافته /ō/، /ē/، مصوت /ñ/ و همچنين صامت /ð/ اشاره کرده و در توصيف صرفى، به مقوله‌هاى اسم و صفت (نشانگرهاى صرفى که به آنها اضافه مى‌شوند)، ضمائر، اعداد و فعل (تصريف آن در شش صيغه بر پایه دو ماده مضارع و ماضى) پرداخته است. در توصيف ويژگى‌هاى اشتقاقى، مهم‌ترين نشانگرهاى تصغير، اسم‌ساز و صفت‌ساز در اين گویش‌ها را معرفى و همچنين نحو اين گویش‌ها را همان نحو فارسى محاوره‌اى قلمداد و در آخر، تعدادى واژه از اين گویش‌ها را فهرست کرده است. بهرامى (۱۳۹۰) ساختارهاى صرفى، نحوى و واژگان گویش لرى دره‌شهر را، با استفاده از دو روش کتابخانه‌اى و ميدانى، مورد بررسى قرار داده است. یافته‌هاى حاصل از تحقيق او نشان دادند که اين گویش ارتباط نزديكى با زبان فارسى درى دارد و امروزه، به دليل پيشرفت صنعت و تكنولوجى، هجوم فرهنگ بيگانه و زندگى شهرنشینی، مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. عباسى (۱۳۹۰) به بررسى نظام واجى، ساختمان واژه و انواع جمله در گویش لرى بختيارى چهارلنگ، با بهره‌گیری از شیوه میدانی، پرداخته و نتیجه گرفته است که اين گویش، در تعداد واج‌ها، با فارسى معيار متفاوت است و از نظر دستورى، اختلاف جزئى‌اى ميان آن و فارسى وجود دارد. بيشترين تفاوت اين گویش با فارسى معيار در سطح ساخت‌واژى است. سلطانى (۱۳۹۱) مقوله فعل را، به‌لحاظ ساده و مرکب بودن و نیز ایستا و پویا بودن، در گویش لرى بختيارى ده‌تیرانى تحليل و توصيف کرده است. نتايج بررسى او بيانگر اين بود که اغلب افعال در اين گویش مرکب‌اند و از سويى، نمود پویایى افعال اين گویش بيشتر از نمود ایستایى است. محمدابراهيمى و عبدى (۱۳۹۱) نیز به توصيف گروه اسمى و گروه‌هاى مرتبط با آن، شامل گروه حرف تعريف، گروه شمار و گروه اضافه، در گویش لرى خرم‌آبادى پرداخته‌اند. آنها در اين پژوهش، به تعديل‌هاى که در نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی صورت گرفته توجه داشته‌اند و از دو روش ميدانى و کتابخانه‌اى بهره گرفته‌اند. نتايج حاصل از اين پژوهش گواه آن بود که در اين گویش، حرف تعريف در سطح بالاتر از گروه شمار قرار مى‌گیرد، گروه نقشى اضافه در سطح بالاتر از گروه حرف تعريف به کار مى‌رود و از راه تکرار بازگشتى، اين گروه به‌طور بالقوه، امکان گسترش مناسب گروه اسمى را به‌صورت نامحدود، فراهم مى‌کند.

علاوه بر این پژوهش‌ها، افرادی چون احمري (۱۳۷۷)، رزمجو و رزمجو (۱۳۸۶)، حسینی (۱۳۸۹)، امیدواری (۱۳۹۰)، کامبوزیا کرد زعفرانلو و همکاران (۱۳۹۲)، ضیاءمجیدی و حق‌بین (۱۳۹۷) و همچنین آخوندی و صنعتی (۱۳۹۹) نیز پژوهش‌هایی را درباره زبان لری انجام داده‌اند.

۲-۲. پیشینه رده‌شناختی

درایر^۱ (۱۹۹۲) با بررسی ۶۲۵ زبان، عدم همبستگی^۲ برخی عناصر با سازه‌های فعل و مفعول را ثابت کرد و از این طریق، نظریه هسته‌وابسته^۳ را زیر سؤال برد و نظریه سوی‌انشعاب^۴ را که بر پایه انسجام ترتیب عناصر گروهی و غیرگروهی بنیاد نهاده شده بود، پیشنهاد کرد. درایر (۲۰۰۲) با بررسی پایگاه داده‌های خود، رده‌زبان‌های SVO را پربسامدترین زبان‌ها به لحاظ حضور نشانگرهای حالت فاعلی و مفعولی تلقی کرد و میزان تطابق فعلی را با منطقه‌زبانی، همبسته دانست. این نتیجه وی ادعای هاوکینز^۵ را زیر سؤال برد که رده‌زبان‌های SOV را به‌عنوان پربسامدترین زبان‌ها، به لحاظ حضور نشانگرهای حالت فاعلی و مفعولی، و همچنین، رده‌زبان‌های فعل‌آغازی را به‌عنوان زبان‌هایی با تطابق فعلی قوی تلقی می‌کرد. همچنین، درایر (۲۰۰۷) در مقاله‌ای با عنوان «ترتیب واژه»، با بررسی زبان‌های مختلف، همبستگی مستقیم، غیرمستقیم، حد وسط و همچنین عدم همبستگی ترتیب واژه برخی مؤلفه‌ها^۶ را با ترتیب سازه‌های «مفعول و فعل» نشان داد. درایر (۲۰۰۸) همچنین با بررسی تعدادی از همبستگی‌ها در چارچوب نظریه سوی‌انشعاب، به این نتیجه رسید که برخی از آنها نسبت به ساخت سازه‌ای حساسند و فقط با فرض ساخت سازه‌ای سلسله‌مراتبی، قابل توجیه هستند.

۳. مبانی نظری و شیوه پژوهش

الگوی پژوهش پیش‌رو برگرفته از کتاب رده‌شناسی زبان‌های ایرانی، تألیف دبیرمقدم (۱۳۹۲)، است. در این کتاب، به بررسی و تحلیل ۲۴ مؤلفه ترتیب واژه درایر (۱۹۹۲) در ۱۲

1. Dryer, M.
2. correlation
3. Head-Dependent Theory
4. branching direction theory
5. Hawkins
6. components

زبان محلی در گستره جغرافیای ایران پرداخته شده و وضعیت رده‌شناختی^۱ آنها، در مقایسه با زبان‌های اروپا-آسیا و نیز زبان‌های جهان توصیف شده است. در مقاله حاضر نیز بر اساس همان الگو، تحلیل این مؤلفه‌ها در زبان لری^۲ مورد بررسی قرار گرفته، اما حجم محدود مقاله مانع از مقایسه این زبان با زبان‌های اروپا-آسیا و زبان‌های جهان شده است.

روش تحلیل در این مقاله به این شرح است: نخست یک پرسش‌نامه^{۱۲۲} جمله‌ای تهیه شد. سپس با ۳ گویشور (یک مرد و دو زن) مصاحبه و داده‌های پژوهش استخراج شد. در مرحله بعد، معادل لری همه داده‌های جمع‌آوری شده، آوانویسی شد و در نهایت، براساس الگوی پیش گفته، بررسی و تحلیل این زبان صورت گرفت.

۴. ویژگی‌های رده‌شناختی

طبق نظریه سوی انشعاب درایر، زبان‌ها تمایل به سوی یکی از این دو وضعیت آرمانی دارند: الف) زبان‌های راست‌انشعابی^۳ که در آنها، مقوله‌های گروهی (مفعول) پس از مقوله‌های غیرگروهی (فعل) می‌آیند؛ ب) زبان‌های چپ‌انشعابی^۴ که در آنها، مقوله‌های گروهی پیش از مقوله‌های غیرگروهی ظاهر می‌شوند (دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۱۲۳).

در این بخش، به بررسی ۲۴ مؤلفه ترتیب‌واژه در زبان لری پرداخته می‌شود که عبارت‌اند از: نوع حرف اضافه^۵، توالی‌های هسته اسمی^۶ و بند موصولی^۷، مضاف و مضاف‌الیه^۸، صفت و مبنای مقایسه^۹، فعل و گروه حرف اضافه‌ای، فعل و قید حالت^{۱۰}، فعل اسنادی^{۱۱} و گزاره^{۱۲}،

1. typological

۲. براساس تعریف دبیرمقدم (۱۳۸۷) از اصطلاحات زبان، گویش، لهجه و گونه، لری که موضوع این پژوهش است زبان محسوب می‌شود.

3. right branching

4. left branching

5. adposition

6. nominal head

7. relative clause

8. genitive construction

9. base of comparison

10. adverb of manner

11. attributive verb

12. predicate

فعل «خواستن» و فعل بند پیرو^۱، موصوف و صفت، صفت اشاره^۲ و اسم، قید مقدار^۳ و صفت، فعل اصلی و فعل کمکی زمان- نمود^۴، ادات استفهام^۵ و جمله، متمم‌نمای بند قیدی و بند، حرف تعریف^۶ و اسم، فعل و فاعل، وند^۷ زمان- نمود و ستاک فعل، اسم و تکواژ آزاد ملکی^۸، فعل اصلی و فعل(های) کمکی در مفهوم «توانستن»، متمم‌نما^۹ و جمله متمم^{۱۰}، حرکت پرسش‌واژه^{۱۱}، توالی مفعول و فعل و همچنین وند منفی‌ساز و ستاک^{۱۲} فعل.

۱-۴. بررسی مؤلفه‌های ترتیب واژه در زبان لری

به‌منظور بررسی مؤلفه‌های ترتیب واژه در زبان لری خرم‌آبادی، ابتدا توضیحی درباره هر مؤلفه ارائه شده و سپس، نمونه(ها)یی ذکر شده و درباره نکات موجود در آن مؤلفه، توصیف و تحلیلی بیان شده است.

۱-۴-۱. مؤلفه ۱: نوع حرف اضافه

حروف اضافه، در این زبان، پیش‌اضافه هستند. به عبارت دیگر، در لری، گرایش به این است که حروف اضافه پیش از گروه اسمی واقع شوند، مانند:

(۱) آنها کتاب را از مریم گرفتند.

1) o - n - o	keto - n	ze	mæryæm	es - æn
ها - میانجی - آن	معرفه - کتاب	از	مریم	شج - گرفتن

در نمونه ۱، حرف اضافه «از» در گروه حرف‌اضافه‌ای، پیش از اسم وابسته خود، یعنی «مریم»، واقع شده است. بررسی این حرف اضافه و حروف اضافه دیگر مانند «به»، «در»،

1. subordinative clause
2. demonstrative adjective
3. quantitative adverb
4. tense- aspect
5. question particle
6. article
7. affix
8. possessive free morpheme
9. complementizer
10. complement
11. wh-Q movement
12. stem

«روی»، «زیر» و... به ترتیب با معادل‌های لری «ve»، «mən»، «fi»، «zir» و... نیز کاربرد پیش‌اضافه‌ای بودن را در این زبان نشان داد.

۴-۱-۲. مؤلفه ۲: توالی هسته اسمی و بند موصولی

در این زبان مانند فارسی، بند موصولی پس از هسته اسمی واقع می‌شود. منظور از بند موصولی، بندی است که درباره هسته خود، یعنی همان اسمی که قبل از بند می‌آید، توضیح می‌دهد و آن را معرفی می‌کند، مانند:

(۲) آنها مردی را که آمد می‌شناسند.

2) o - n - o	piya-y-i	ke	mə- šnas -æ(n)	oma-ø
جمع میانجی-آن	هسته‌نما- میانجی-مرد	که	۳شج - شناختن - اخباری	۳شم - آمدن

۴-۱-۳. مؤلفه ۳: توالی مضاف و مضاف‌الیه

در این زبان، مانند فارسی، مضاف قبل از مضاف‌الیه ظاهر می‌شود، مانند:

(۳) دستمال کشیدن را از دیوار اتاق شروع کن.

3) dæsmal	kešiyæn - æ	ze	divare - e	otaq	šoru	ko- ø
دستمال	معرفه (را) - کشیدن	از	معرفه - دیوار	اتاق	شروع	۲ش م - کن

۴-۱-۴. مؤلفه ۴: توالی صفت و مبنای مقایسه

در این زبان، مانند فارسی، صفت می‌تواند هم پیش از مبنای مقایسه و هم بعد از آن واقع شود، مانند:

(۴) آن دختر بزرگ‌تر از علی است.

4) o	doxtær	gæf - tær - æ	ze	æli
	دختر	آن	از	علی

(۵) خواهرم از زهرا بزرگ‌تر است.

5) xuær	- æm	ze	zæra	gæf - tær - æ
---------	------	----	------	---------------

واژه‌بست ۳ش م - تر - بزرگ زهرا از واژه‌بست ۱ش م - خواهر

در نمونه‌های بالا از لری، یک بار صفت «بزرگ‌تر» قبل از اسم مبنای مقایسه (علی) و یک بار پس از اسم مبنای مقایسه (زهرا) واقع شده است. همچنین، با توجه به نمونه‌های بالا و بررسی داده‌های دیگر، نشانگر تفضیلی در این زبان، مانند فارسی، پسوند «-tæɾ» است.

۴-۱-۵. مؤلفه ۵: توالی فعل و گروه حرف اضافه‌ای

در این زبان، مانند فارسی، گروه حرف اضافه‌ای را می‌توان هم قبل از فعل و هم بعد از فعل آورد، مانند:

۶) گلدان از دستم افتاد.

6) gol - do ze dæss - e - m efta - ø

گل - دان از دست - معرفه - واژه‌بست ۱ ش م - افتادن ۳ ش م -

۷) موقع بازی روی برادر کوچکش افتاد.

7) moqeɾ - e bazi efta - ø ri - y - e berar

موقع بازی - معرفه - افتادن ۳ ش م - برادر - میانجی - رو ۳ ش م -

košk - æ - š

واژه‌بست ۳ ش م - معرفه - کوچک

در نمونه ۶، گروه حرف اضافه‌ای «از دستم» قبل از فعل «افتاد» و در نمونه ۷، گروه حرف اضافه‌ای «روی برادر کوچکش» بعد از فعل «افتاد» واقع شده است.

۴-۱-۶. مؤلفه ۶: توالی فعل و قید حالت

در این زبان، مانند فارسی، قید حالت قبل از فعل می‌آید، مانند:

۸) با ترس کتاب را برداشت.

8) va rs tœæke vœr - dašt - ø

با ترس کتاب (را) - معرفه - داشتن - ۳ ش م -

۴-۱-۷. مؤلفه ۷: توالی فعل اسنادی و گزاره (مسند)

در این زبان، مانند فارسی، مسند پیش از فعل اسنادی می‌آید، مانند:

۹) آنها معلم‌اند.

9) o - n - o moælem - æn

واژه‌بست ۳ ش ج - معلم - جمع - میانجی - آن

۸-۱-۴. مؤلفه ۸: توالی فعل «خواستن» و فعل «بند پیرو»

در این زبان، مانند فارسی، فعل «خواستن» پیش از فعل بند پیرو می‌آید، مانند:

(۱۰) من می‌خواستم با برادرم بیرون بروم.

10) mæ mə - has - æm və berar - æm

اشم - خواستن - اخباری - من - با - واژه‌بست ۱ ش م - برادر

ro - m særa

بیرون - اشم - رفتن

۹-۱-۴. مؤلفه ۹: توالی موصوف و صفت

در این زبان، مثل فارسی، موصوف قبل از صفت می‌آید، مانند:

(۱۱) همه آمدند خواستگاری به جز مادر پیرش.

11) hæmæ oma - n - æ xasegar - i qeyr æz

از - غیر - اپ ص س - خواستگار ۳ ش ج - میانجی - آمدن - همه

da pir - e - š

واژه‌بست ۳ ش م - معرفه - پیر - مادر

۸-۱-۴. مؤلفه ۱۰: توالی صفت اشاره و اسم

در این زبان، مانند فارسی، صفت اشاره قبل از اسم می‌آید، مانند:

(۱۲) از این ده نرو!

12) ze i di - y - æ næ - ro - ø

۲شم (امر) - رفتن - نفی - معرفه - میانجی - ده - این از

۴-۱-۱۱. مؤلفه ۱۱: توالی قید مقدار و صفت

در این زبان، مانند فارسی، قید مقدار قبل از صفت می‌آید، مانند:

(۱۳) چشم‌هایش کمی ضعیفه.

13) čæš- a- š æm - i zæif- æ k

واژه‌بست ۳شم - ضعیف - قیدساز - کم - واژه‌بست ۳شم - جمع - چشم

در نمونه ۱۳، قید مقدار «کمی» قبل از صفت «ضعیف» واقع شده است. فعل ربطی «است»، مانند فارسی محاوره، به صورت واژه‌بست «æ-» ظاهر می‌شود.

۴-۱-۱۲. مؤلفه ۱۲: توالی فعل اصلی و فعل کمکی زمان‌نمود

در این زبان، برای بیان زمان آینده، فعل کمکی ویژه‌ای وجود ندارد و از صورت مضارع فعل برای بیان این زمان استفاده می‌شود؛ اما برای بیان نمود ناقص، از تصریف فعل کمکی «داشتن» قبل از فعل اصلی استفاده می‌شود، مانند:

(۱۴) علی صبح از مسافرت خواهد آمد.

14) æli soæ ze mosæferæt mi - a - ø

۳شم - آمدن - اخباری - مسافرت - از صبح - علی

(۱۵) صبح باید بروم مدرسه.

15) soæ bayæd ro-əm mædresæ

مدرسه - ۱شم - رفتن - باید - صبح

۱۶) باید می‌رفتم سر زمین.

16) bayæd mə - ræt - æm sər - e zemi

ش-م - رفتن - استمراری باید معرفه- سر زمین

با توجه به نمونه ۱۴، برای بیان زمان آینده، از فعل کمکی «خواستن» استفاده نمی‌شود، بلکه صورت مضارع فعل اصلی، با توجه به شرایط بافت غیرزبانی، تعیین‌کننده زمان آینده است. با توجه به نمونه‌های (۱۵) و (۱۶)، برای بیان زمان آینده و گذشته، از فعل کمکی «باید» و همچنین برای بیان نمود ناقص، از فعل «داشتن» استفاده می‌شود. در جدول (۱)، صرف صیغه‌های مفرد زمان مضارع و ماضی استمراری فعل «رفتن»، برای بیان نمود ناقص، ارائه شده است (به دلیل محدودیت حجم مقاله، از آوردن صیغه‌های جمع صرف نظر شده است):

جدول ۱. صرف صیغه‌های مفرد مضارع و ماضی استمراری فعل «رفتن»

زمان	شخص		اول		دوم		سوم	
	شمار	فارسی	لری	فارسی	لری	فارسی	لری	فارسی
مضارع استمراری	مفرد	دارم می‌روم	dar-æm mə - rr -æm	داری می‌روی	dar- i mə - rr - i	دارد می‌رود	dar - æ mə - rr -æ	
ماضی استمراری	مفرد	داشتم می‌رفتم	dašt-æm mi - ræt -æm	داشتی می‌رفتی	dašt- i mi -ræt - i	داشت می‌رفت	dašt - ø mi-ræt-æ	

۱-۴-۱۳. مؤلفه ۱۳: توالی ادات استفهام و جمله

در این زبان، مانند فارسی، ادات استفهام معادل «آیا»، به صورت پسوند، به دنبال فعل در انتهای جمله می‌آید یا به صورت واحد زبرنجیری «تکیه»، در انتهای جمله، سؤالی بودن آن را مشخص می‌کند، مانند:

۱۷) برای پرنده‌ها قفس خریدی؟

17) si miliče - y - a qəfæs - xærid - i - yy æ

سؤالی - ۲ش - خریدن - قفس‌ها - میانجی - پرنده برای

۱۸) مرا دیدی؟

18) mæ - n - e did - i'

۲ش م - دید - معرفه (را) - میانجی - من

با توجه به نمونه‌های (۱۷) و (۱۸)، ادات استفهام معادل «آیا»، به صورت تکواژ وابسته (-æ) در انتهای فعل یا به صورت واحد زبرزنجیری تکیه (') در انتهای جملات سؤالی، ظاهر می‌شود.

۴-۱-۱۴. مؤلفه ۱۴: توالی حرف ربط قیدی و بند

در این زبان، مانند فارسی، حرف ربط قیدی قبل از بند جای دارد، مانند:

۱۹) عروس را بردند بین مهمان‌ها تا ازش عکس بیندازند.

19) ærus - e bord - æn min mēmon - a ta zæ - š

واژه‌بست ۳ش م - از تا جمع - مهمان بین ۳ش ج - بردن معرفه (را) - عروس

æks bo - n - æn

۳ش ج - انداختن - التزامی - عکس

در نمونه (۱۹)، حرف ربط قیدی «تا» پیش از بند «عکس بیندازند» واقع شده است.

۴-۱-۱۵. مؤلفه ۱۵: توالی حرف تعریف و اسم

در این زبان، مانند فارسی، حروف تعریف معرفه و نکره، به صورت تکواژ وابسته، پس از اسم می‌آیند، مانند:

۲۰) دیوارِ اتاق را بشور.

20) divare - e otaq - e bæ - šur - ø

۲ش م - شستن - امر معرفه (را) - اتاق معرفه - دیوار

(۲۱) بسته‌ای را به فاطمه داد.

21) bæst- e - i dæ - ø fatmæ

فاطمه ۳ش-م- دادن نکره - صفت مفعولی- بسته

در نمونه‌های (۲۰) و (۲۱)، تکواژ وابسته «-e»، در نقش نشانگر معرفگی و تکواژ وابسته «-i» در نقش نشانگر نکرگی، پس از اسم واقع شده‌اند.

۱۶-۱-۴. مؤلفه ۱۶: توالی فعل و فاعل

در این زبان، مانند فارسی، فاعل پیش از فعل می‌آید، مانند:

(۲۲) او در را با کلید باز کرد.

22) o dær - æ va kilid va - kærd - ø

۳ش-م- کردن - باز کلید با معرفه(را) - در او

در نمونه (۲۲)، فاعل «او» پیش از فعل «باز کرد» واقع شده است.

۱۷-۱-۴. مؤلفه ۱۷: توالی عدد و اسم

در این زبان، مانند فارسی، عدد قبل از اسم می‌آید، مانند:

(۲۳) همسایه‌مان چهار پسر دارد.

23) hæmsayæ-mon čar kor dar - æ

واژه‌بست‌اشج - همسایه م- داشتن پسر چهار ۳ش

در نمونه (۲۳)، عدد «چهار» پیش از اسم «پسر» واقع شده است.

۱۸-۱-۴. مؤلفه ۱۸: توالی وند زمان-نمود و ستاک فعل

در این زبان، در برخی موارد، ستاک حال و گذشته دو صورت جداگانه هستند و در برخی دیگر، وندی پس از ستاک فعل برای صورت‌بندی زمان-نمود به کار می‌رود. همان‌طور که در جدول (۲) مشاهده می‌شود، ستاک‌های مضارع و ماضی فعل «گفتن» دو صورت کاملاً جدا هستند:

جدول ۲. صرف شش صیغهٔ مضارع اخباری و ماضی سادهٔ فعل «گفتن»

زمان	شخص		اول		دوم		سوم	
	شمار	فارسی	لری	فارسی	لری	فارسی	لری	فارسی
مضارع اخباری	مفرد	می گویم	mo - ʔ-əɪm	می گویی	mo - y - i	می گوید	mo - ʔ - æ	لری
	جمع	می گوئیم	mo - y - iɪm	می گوئید	mo - y - iɪd	می گویند	mo - ʔ - æn	لری
ماضی ساده	مفرد	گفتم	got - əɪm	گفتی	got - i	گفت	got - ø	لری
	جمع	گفتیم	got - iɪm	گفتید	got - iɪd	گفتند	got - æn	لری

در جدول (۳) نیز وجود پسوند «i» بعد از ستاک ماضی سادهٔ فعل «پرسیدن» حاکی از زمان‌نمود گذشته و نبود همین پسوند بعد از ستاک صیغه‌های مضارع حاکی از زمان‌نمود غیر از گذشته است:

جدول ۳. صرف شش صیغهٔ مضارع استمراری و ماضی سادهٔ فعل «پرسیدن»

زمان	شخص		اول		دوم		سوم	
	شمار	فارسی	لری	فارسی	لری	فارسی	لری	فارسی
مضارع استمراری	مفرد	می پرسم	mə - pors - æɪm	می پرسی	mə - pors - i	می پرسد	mə - pors - æ	لری
	جمع	می پرسیم	mə - pors - iɪm	می پرسید	mə - pors - iɪn	می پرسند	mə - pors - æn	لری
ماضی ساده	مفرد	پرسیدم	pors - i - m	پرسیدی	pors - i	پرسید	pors - i - n	لری
	جمع	پرسیدیم	pors - i - mæ	پرسیدید	pors - i - tæ	پرسیدند	pors - i - næ	لری

۱۹-۱-۴. مؤلفهٔ ۱۹: توالی اسم و تکواژ آزاد ملکی در این زبان، مانند فارسی، تکواژ ملکی اغلب به صورت مقید و پی‌بست به اسم می‌آید، مانند:

(۲۴) دستم لای در گیر کرد. *تال جامع علوم انسانی*

24) dæss - e - m lö dær gir- kærd - ø

واژه‌بست‌اشم - معرفه - دست - لا در ۳م - کردن - گیر

در نمونهٔ (۲۴)، تکواژ ملکی «م»، به صورت پی‌بست، بعد از اسم «دست» واقع شده است.

۴-۱-۲۰. مؤلفه ۲۰: توالی فعل اصلی و فعل کمکی در مفهوم «توانستن»
در این زبان، مانند فارسی، فعل کمکی در مفهوم «توانستن» قبل از فعل اصلی قرار می‌گیرد،
مانند:

(۲۵) آن کتاب را می‌توانم بخوانم.

25) o keto - n ton - om bo - n - om

اشم - خواندن - التزامی - واژه‌بست اشم - توانستن - معرفه (را) - کتاب - آن

۴-۱-۲۱. مؤلفه ۲۱: توالی متمم‌نما و جمله متمم
در این زبان، مانند فارسی، متمم‌نما آغاز جمله متمم می‌آید، مانند:

(۲۶) درست نیست که از این ده به آن ده بروی.

26) doros ni - y: - æ kæ ze i de ve

به ده این از که تاکید - میانجی - نیست درست

o de be - r - i

اشم - رفتن - التزامی - ده آن

در نمونه (۲۶)، متمم‌نمای «که» در آغاز جمله متمم «از این ده به آن ده بروی» واقع شده
است.

با توجه به نمونه (۲۶)، صفات اشاره «-i» و «-o» در این زبان، معادل «این» و «آن» در
فارسی است.

۴-۱-۲۲. مؤلفه ۲۲: حرکت پرسش‌واژه

در این زبان، مانند فارسی، پرسش‌واژه در جای اصلی خود می‌ماند و حرکت نمی‌کند، مانند:

(۲۷) کتاب کجاست؟ چرا رویش نشستی؟

27) ketow koja - n - æ čera ri - š

واژه‌بست ۳شم - رو - چرا - واژه‌بست ۳شم - میانجی - کجا - کتاب

nešest - i - yy - æ

سؤالی - میانجی - ۲شم - نشستن

۲۳-۱-۴. مؤلفه ۲۳: توالی مفعول و فعل

در این زبان، مانند فارسی، مفعول صریح گروهی (مفعولی که به شکل گروه در جمله به کار می‌رود) قبل از فعل ظاهر می‌شود، ولی مفعول بندی (مفعولی که به شکل بند در جمله ظاهر می‌شود) پس از فعل می‌آید، مانند:

(۲۸) گوسفندش را به علی سپرد.

28) gællæ - š - e ve æli seporð - ø

ش^۳م - سپردن علی به معرفه (را) - واژه‌بست ش^۳م - گوسفند

(۲۹) می‌دانم که آدم مهربانی است.

29) dun-om ke a: m - e mehræbun

معرفه - آدم که ش^۳م - دانستن مهربان

-i - y - æ

واژه‌بست ش^۳م - میانجی - نکره-

در نمونه (۲۸)، مفعول صریح گروهی «گوسفندش» قبل از فعل «سپردن» و در نمونه (۲۹)، مفعول بندی «آدم مهربانی است» پس از فعل «دانستن» واقع شده است؛ بنابراین، این زبان هم تمایل به راست‌انشعایی و هم چپ‌انشعایی بودن دارد.

۲۴-۱-۴. مؤلفه ۲۴: توالی وند منفی ساز و ستاک فعل

در این زبان، مانند فارسی، وند منفی ساز به صورت پیشوند در فعل بازنمایی می‌شود، مانند:

(۳۰) او پیش ما نمی‌ماند.

30) o tey ema næ- mi-mon-æ

ش^۳م-ماندن-اخباری-نفی ما پیش او

یافته‌های حاصل از تحلیل و بررسی جایگاه مؤلفه‌های ترتیب واژه در زبان لری خرم‌آبادی در جدول زیر به اختصار آورده شده است:

جدول ۴. توالی مؤلفه‌های ترتیب واژه در لری خرم‌آبادی

مؤلفه	توالی			توالی		
	جایگاه اول	جایگاه دوم	توضیحات	مؤلفه	جایگاه اول	جایگاه دوم
مؤلفه ۱	حرف اضافه	گروه اسمی	—	مؤلفه ۱۳	جمله	جایگاه اول
مؤلفه ۲	هسته اسمی	بند موصولی	—	مؤلفه ۱۴	حرف ربط قیدی	بند
مؤلفه ۳	مضاف	مضاف‌الیه	—	مؤلفه ۱۵	اسم	حرف تعریف
مؤلفه ۴	الف) صفت ب) مبنای مقایسه	الف) مبنای مقایسه ب) صفت	—	مؤلفه ۱۶	فاعل	فعل
مؤلفه ۵	الف) فعل ب) گروه حرف‌اضافه‌ای	الف) گروه حرف‌اضافه‌ای ب) فعل	—	مؤلفه ۱۷	عدد	اسم
مؤلفه ۶	قید حالت	فعل	—	مؤلفه ۱۸	ستاک فعل	وند زمان‌نمود
مؤلفه ۷	گزاره (مسند)	فعل اسنادی	—	مؤلفه ۱۹	اسم	تکواژ آزاد ملکی
مؤلفه ۸	فعل «خواستن»	فعل بند پیرو	—	مؤلفه ۲۰	فعل کمکی در مفهوم «توانستن»	فعل اصلی
مؤلفه ۹	موصوف	صفت	—	مؤلفه ۲۱	متمم‌نما	جمله متمم
مؤلفه ۱۰	صفت اشاره	اسم	—	مؤلفه ۲۲	—	عدم حرکت پرسش‌واژه
مؤلفه ۱۱	قید مقدار	صفت	—	مؤلفه ۲۳	الف) مفعول ب) گروهی ب) فعل	الف) فعل ب) مفعول بندی
مؤلفه ۱۲	فعل کمکی زمان‌نمود	فعل اصلی	—	مؤلفه ۲۴	وند منفی‌ساز	ستاک فعل

۵. بحث و نتیجه‌گیری

بررسی مؤلفه‌های ترتیب واژه زبان‌ها و گویش‌ها، در حوزه رده‌شناسی، از آن‌چنان اهمیتی برخوردار است که نظریه‌ها و بحث‌های فراوانی به این حوزه اختصاص یافته است. در کشور ما نیز، به دلیل وجود گویش‌ها و زبان‌های متنوع، تاکنون آثار و مقاله‌های بسیاری در حوزه گویش‌شناسی نگاشته شده است. لری، به‌عنوان یکی از زبان‌های جنوب غربی ایران، از این قاعده مستثنی نیست و می‌توان ویژگی‌های متفاوت آن را، به‌لحاظ مباحث زبان‌شناختی، مورد تحلیل قرار داد.

در این مقاله، بررسی رده‌شناختی ۲۴ مؤلفه ترتیب واژه‌های درایر در زبان لری خرم‌آبادی نشان داد که در این زبان، مانند زبان فارسی، سازه‌های حرف اضافه، هسته اسمی، مضاف، قید حالت، گزاره، فعل «خواستن»، موصوف، صفت اشاره، قید مقدار، فعل کمکی زمان‌نمود، جمله، حرف ربط قیدی، اسم، فاعل، عدد، ستاک فعل، اسم، فعل کمکی «توانستن»، متمم‌نما و نند منفی‌ساز در جایگاه اول و به‌ترتیب قبل از سازه‌های گروه اسمی، بند موصولی، مضاف‌الیه، فعل، فعل اسنادی، فعل بند پیرو، صفت، اسم، مبنای مقایسه، صفت، فعل اصلی، ادات استفهام، بند، حرف تعریف، فعل، اسم، وند زمان‌نمود، تکواژ آزاد ملکی، فعل اصلی، جمله متمم و ستاک فعل می‌آیند. سازه‌های صفت و فعل نیز می‌توانند به‌ترتیب پیش یا پس از مبنای مقایسه و گروه حرف اضافه‌ای واقع شوند. مفعول گروهی معمولاً قبل از فعل واقع می‌شود و مفعول بندی بعد از فعل قرار می‌گیرد. همچنین در این زبان، پرسش‌واژه، در جملات سؤالی با واژه استفهام، در جای اصلی خود باقی می‌ماند و حرکت نمی‌کند.

علاوه بر نتایج به‌دست آمده از تحلیل ۲۴ مؤلفه موردنظر، می‌توان به نتایج دیگری که از توصیف و تحلیل این زبان در این پژوهش حاصل شد اشاره کرد:

الف) در این زبان، فعل قبل از مفعول بندی (راست‌انشعابی) و بعد از مفعول گروهی (چپ‌انشعابی) می‌آید؛ بنابراین، هم در جایگاه میانی و هم در جایگاه پایانی واقع می‌شود.
پ) بررسی لری در این مقاله، یافته‌های اشمیت (۱۳۸۳: ۵۶۷-۵۷۰) را تأیید می‌کند که بر وجود مصوت‌های /ə/ و /ü/ و نشانگرهای جمع «-a»، نکره «-i»، تفضیلی «-tæɪ»، ضمائر و صفات اشاره نزدیک و دور «-i» و «-o» تأکید می‌کرد و همچنین نحو این زبان را مانند نحو فارسی محاوره‌ای تلقی می‌کرد.

از این شواهد، می‌توان به دو نتیجه کلی از این پژوهش دست یافت: نخست نزدیکی تنگاتنگ این دو زبان که بر ادعای امان‌اللهی (۱۳۷۰: ۵۴-۵۳) صحه می‌گذارد و همچنین تعیین رده آنها به‌عنوان رده زبان‌های «فعل‌میانی قوی» را اثبات می‌کند. از این‌رو، باید خاطرنشان کرد که تمایل لری به اینکه شبیه فارسی شود، در گذر زمان، نیاز به بررسی در زمانی و تاریخی دارد، اما در صورتی که لری، مانند بسیاری از زبان‌ها و گویش‌های دیگر، در حال شبیه‌شدن به فارسی باشد، نشان‌دهنده میزان درخطر بودن این گونه است.

در نهایت، بررسی علمی در این زبان نشان می‌دهد که زبان لری نیز مانند زبان فارسی (زبان معیار) و دیگر زبان‌ها، ویژگی‌های دستوری و رده‌شناختی خاص خود را دارد، از این‌رو ارزشی هم‌تراز با آنها دارد. در واقع، حداقل پیامدی که انجام پژوهش‌های این‌چنینی می‌تواند به همراه داشته باشد، ارتقای شأن اجتماعی زبان‌های محلی است؛ اما حجم محدود این مقاله تنها مجال مقایسه زبان لری با فارسی را به نویسندگان داد. امید است در پژوهش‌های آتی، شاهد مطالعات تطبیقی گسترده‌تری در حوزه رده‌شناسی ترتیب واژه زبان‌های ایرانی باشیم.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

سپاسگزاری

از آقای یدالله حسینی و خانم‌ها طیبه پیری و مریم بازگلی، در مقام گویشوران زبان لری خرم‌آبادی، صمیمانه سپاسگزاریم.

ORCID

Fateme Akhoondi  <http://orcid.org/0000-0002-4465-0270>

Marziye Sanaati  <http://orcid.org/0000-0003-3506-199X>

منابع

- آخوندی، فاطمه و صنعتی، مرضیه. (۱۳۹۹). واژه‌بست در زبان لری خرم‌آبادی. *مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران*، ۸(۴)، ۱-۲۰.
- احمری، پروانه. (۱۳۷۷). *واژه‌نامه مقایسه‌ای و ریشه‌شناختی چهار گویش بلوچی، کردی، لری و لاری*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد فرهنگ و زبان‌های باستانی، دانشگاه شیراز.

ارانسکی، یوسیف م. (۱۳۷۸). *زبان‌های ایرانی*. ترجمه علی اشرف صادقی، چاپ اول، تهران: سخن. اشمیت، رودریگر. (۱۳۸۳). *راهنمای زبان‌های ایرانی: زبان‌های ایرانی نو*. ترجمه آرمان بختیاری و دیگران، جلد دوم، تهران: ققنوس.

امان‌اللهی بهاروند، سکندر. (۱۳۷۰). *قوم لر*. چاپ اول، تهران: آگاه. امیدواری، آرزو. (۱۳۹۰). بررسی کاربرد نمونه‌هایی از واژه‌های اصیل گویش لری در شهر یاسوج بر حسب متغیرهای سن و جنسیت. *ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین*، ۱(۲)، ۱-۱۶. بهرامی، آیت‌الله. (۱۳۹۰). *بررسی ساختار گویش لری شهرستان دره‌شهر*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی. حسینی، محمد. (۱۳۸۹). *بررسی صرف در گویش لری شهرستان درود (لرستان)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینای همدان. دبیرمقدم، محمد. (۱۳۸۷). *زبان، گونه و لهجه؛ کاربردهای بومی و جهانی*. *ادب پژوهی*، ۲(۵)، ۹۱-۱۲۸.

دبیرمقدم، محمد. (۱۳۹۲). *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی*. تهران: انتشارات سمت. راویلنسون، هنری. (۱۳۶۲). *سفرنامه راویلنسون*. ترجمه سکندر امان‌اللهی، چاپ اول، تهران: آگاه. رزمجو، هیبت‌الله و رزمجو، آیت‌الله. (۱۳۸۶). *گویش لری کهگیلویه: بررسی و توصیف نظام آوایی*. *گویش‌شناسی*، ۴(۱ و ۲)، ۹۷-۱۲۲.

سلطانی، لیلا. (۱۳۹۱). *بررسی فعل در گویش لری بختیاری ده تیرانی الیگودرز*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه پیام‌نور تهران. ضیاءمجیدی، لیلا و حق‌بین، فریده. (۱۳۹۷). *نمود فعل در زبان لری و گونه‌های آن*. *مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران*، ۶(۲۲)، ۱۱۰-۹۳.

عباسی، ندا. (۱۳۹۰). *بررسی زبان‌شناختی گویش بختیاری چهارلنگ*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته آموزش زبان فارسی، دانشگاه پیام‌نور تهران.

عبدی، پروین. (۱۳۸۸). *بررسی گروه‌های اسمی در گویش لری خرم‌آبادی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه شهید بهشتی.

کامبوزیا کرد زعفرانلو، عالیه، ملکی مقدم، اردشیر و سلیمانی، آرزو. (۱۳۹۲). *مقایسه فرایندهای واجی همخوان‌های گویش لری بالاگریوه با فارسی معیار، جستارهای زبانی*، ۴(۱۳)، ۱۸۰-۱۵۱. محمدابراهیمی، زینب و عبدی، پروین. (۱۳۹۱). *توصیف گروه‌های اسمی در گویش لری خرم‌آبادی، پژوهش‌های زبان‌شناسی*، ۴(۶)، ۹۶-۸۱.

مینورسکی، ولادیمیر. (۱۳۶۳). *لرستان و لرها*. مترجمان: سکندر امان‌اللهی و لیلی بختیار، چاپ اول، تهران: بابک.

References

- Dryer, M. (1992). The Greenbergian Word Order Correlations. *Language*, 68(1), 81- 138.
- Dryer, M. (2002). Case Distinctions, Rich verb Agreement, and Word Order Type, *Theoretical Linguistics*, 28(2), 151- 157.
- Dryer, M. (2007). Word Order. In T. Shopen (ed.), *Language Typology and Syntax Description*, (2nd ed.) 61- 131, Vol. I: clause structure, Cambridge: Cambridge University Press.
- Dryer, M. (2008). The branching Direction Theory Revisited. In S, Scalise, E, Magni & A, Bisetto (eds), *Universals of language today*, 1-21, Berlin.: Springer.
- Akhoondi, F., & Sanaati, M. (2020). Clitics in Khorramabadi Lori. *Western Iranian languagees and dialects*, 8(4), 1-20. [In Persian].
- Abbasie, N. (2012). *Linguistic investigation of Charlang Bakhtiyarie dialect*. The master degree thesis dissertation in the field of Persian language teaching, Tehran Payamenoor university. [In Persian].
- Abdi, P. (2009). *Investigating the nominal phrases in Khorramabadi Lori dialect*. General linguistics master degree thesis dissertation, Shahid Beheshti university. [In Persian].
- Ahmarie, P. (1999). *Comparative and etymology glossary of four dialects including Baloochi, Kordi, Lori and Lari*, The master degree thesis dissertation in the field of old cultures and languages, Shiraz university. [In Persian].
- Amanollahi Baharvand, S. (1991). *Lors*, Tehran: Agah. [In Persian].
- Bahrani, A. (2011). *Investigating the structure of Lori dialect in Darreh shahr county*. The master degree thesis dissertation in the field of psychology & educational sciences, Allameh Tabatabaei university. [In Persian].
- Dabir Moghaddam, M. (2008). The language, species and the accent of local & universal applications. *Research in Literature*, 2(5), 91-128. [In Persian].
- Dabir Moghaddam, M. (2013). *Typology of Iranian Languages*. Tehran: Samt. [In Persian].
- Hoseinie, M. (2011). *Investigating morphology in Lori dialect of Dorood county (Lorestan)*. The master degree thesis dissertation in the field of literature and human sciences, Hamedan Boozalisina university. [In Persian].
- Kord Zaferanloo Kambuziya, A., Maleki Moghaddam, A., & Soleymanie, A. (2013). The comparison of the phonological processes of the consonants of Lori dialect of Balagerive with the standard Persian language. *Linguistic Essays*, 4(13), 151-180. [In Persian].

- Minorsky, V. (1984). *Lorestan and the Lores*. Translators: Skandar, Amanollahi & Leili, Bakhtiyar. Tehran: Babak. [In Persian].
- Mohammad Ebrahimie, Z., & Abdi, P. (2012). Describing the nominal phrases in Lori Khorramabadi dialect. *Linguistic Researches*, 4(6), 81-96. [In Persian].
- Omidvarie, A. (2012). Investigating usage of samples from native words of Lori dialect in Yasuj city according to age and sex variables. *Iranian regional languages and literature*, 1(2), 1-16. [In Persian].
- Oranskij, I. (1999). *Iranian Languages*. Translator: Ali Ashraf Sadeghi, Tehran: Sokhan. [In Persian].
- Rawlinson, H. (1983). *Rawlinson Travelogue*. Translator: Skandar, Amanollahi, Tehran: Agah. [In Persian].
- Razmju, H., & Razmju, A. (2008). Kohgilooyeh Lori dialect: investigation and description of phonetic system. *Dialectology*, 4(1 - 2), 97- 122. [In Persian].
- Schmitt, Rüdiger. (2004). *Compendium Linguarum Iranicarum: Novel Iranian Languages*. 2nd volume, Translators: Arman, Bakhtiyari and others, Tehran: Ghoghnoos. [In Persian].
- Soltanie, Leila. (2013). *Verb investigation in Bakhtiyarie Lori dialect Deh tiranie Aligoodarz*. The master degree thesis dissertation in the field of literature and human sciences, Tehran Payamenoor university. [In Persian].
- Ziya Majidi, L., & Haghbin, F. (2018). Aspect of the verb in Lori language and its species. *Studies of Iran West Languages and Dialects*, 6(22), 93-110. [In Persian].

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

استناد به این مقاله: آخوندی، فاطمه، صنعتی، مرضیه. (۱۴۰۰). بررسی مؤلفه‌های ترتیب واژه در زبان لری خرم‌آبادی.

Doi: 10.22054/Is.2019.36877.1142 . ۱۵۱-۱۷۴، ۸ (۱۳)، ۱۷۴-۱۵۱



Language Science is licensed under a Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.